**اظهارنظر عمومی شماره ۳۱ کمیته؛**

 **رفع تبعیض علیه زنان و شماره ۱۸ کمیته حقوق کودک؛ اقدامات مضر**

**۱. مقدمه**

۱. کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) و کنوانسیون حقوق کودک (CRC) شامل تعهدات قانونی است که هم به‌طورکلی و هم به‌طور خاص به از بین بردن شیوه‌های مضر مرتبط است. در اجرای وظایف نظارتی خود کمیته مبارزه با تبعیض علیه زنان و کمیته حقوق کودک به‌طور مداوم به رفتارهایی که بر زنان و کودکان، به‌ویژه دختران اثر می‌گذارد جلب‌توجه می‌کنند. به‌موجب همپوشانی این وظیفه و تعهد مشترک برای جلوگیری، پاسخ و حذف اعمال مضر هرکجا و به هر شکل که صورت می‌گیرد، کمیته CEDAW و کمیته CRC تصمیم گرفتند این اظهار عمومی مشترک / اظهارنظر عمومی را ارائه دهند.

۲**. هدف و دامنه اظهارنظر عمومی / اظهارنظر عمومی (GC/GR)**

۲. هدف این اظهارنظر عمومی / توصیه عمومی تشریح تعهدات کشورهای عضو CEDAW و CRC با ارائه راهنمایی‌های معتبر در مورد قانون‌گذاری، سیاست و سایر اقدامات مناسب که باید جهت اطمینان کامل از تعهدات خود تحت دو کنوانسیون برای از بین بردن شیوه‌های مضر انجام دهند، است.

۳. کمیته‌ها تصدیق می‌کنند که شیوه‌های مضر هم به‌طور مستقیم و یا به علت تأثیرات درازمدت شیوه‌های مضر که زنان درزمانی کودکی هم با آن‌ها درگیر بوده‌اند، آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین این اظهارنظر عمومی تعهدات کشورهای عضو CEDAW را در رابطه با مقررات مربوط به حذف فعالیت‌های مضر که بر حقوق زنان تأثیر می‌گذارند بیشتر توضیح می‌دهد.

۴. علاوه بر این، کمیته‌ها می‌دانند که پسران نیز قربانی خشونت، شیوه‌های مضر و تعصب هستند و حقوق آن‌ها باید برای حمایت از آن‌ها و جلوگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت و حفظ از نابرابری و تبعیض بر اساس جنسيت در زندگی آینده‌شان، موردتوجه قرار گیرد؛ بنابراین اظهارنظر عمومی به تعهدات کشورهای عضو CRC در مورد اقدامات مضر که بر حقوق پسران به علت تبعیض تأثیر می‌گذارد اشاره می‌کند.

۵. این اظهارنظر عمومی باید در رابطه با اظهارنظر عمومی مربوطه و اظهارنظرهای عمومی به ترتیب صادرشده توسط دو کمیته، به‌ویژه اظهارنظر عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) CEDAW درباره خشونت علیه زنان، و اظهارنظر عمومی شماره ۸ (۲۰۰۶) درباره حق کودک برای حفاظت از مجازات بدنی و سایر اشکال مجازات بی‌رحمانه و تحقیرآمیز و شماره ۱۳ (۲۰۱۱) در مورد حقوق کودک در منع تمام انواع خشونت. محتوای اظهارنظر عمومی شماره ۱۴ (۱۹۹۰) CEDAW درباره ختنه زنان، خوانده شود.

**سوم. مبانی اظهارنظر عمومی مشترک / اظهارنظر عمومی**

۶. کمیته‌های CEDAW و CRC به‌طور مداوم توجه می‌کنند که شیوه‌های مضر به‌شدت ریشه در نگرش‌های اجتماعی دارد که بر اساس آن زنان دختران پایین‌تر از مردان و پسران بر اساس نقش‌های کلیشه‌ای به‌حساب می‌آیند. آن‌ها همچنین جنبه‌های جنسیتی خشونت را برجسته می‌کنند و نشان می‌دهند که نگرش‌ها و کلیشه‌های مبتنی بر جنس و جنسیت، عدم تعادل قدرت، نابرابری و تبعیض، وجود گسترده‌ای از شیوه‌هایی را که اغلب شامل خشونت یا اجبار هستند را تداوم می‌بخشند. همچنین لازم به ذکر است که کمیته‌ها نگران هستند که این شیوه‌ها نیز برای توجیه خشونت‌های جنسیتی به‌عنوان شکلی از "حمایت " یا کنترل زنان[[1]](#footnote-1) و کودکان در خانه، جامعه، مدرسه، سایر نواحی آموزشی و مؤسسات آموزشی و همچنین در جامعه گسترده‌تر استفاده می‌شود. علاوه بر این، کمیته‌ها توجه دولت‌ها را به این واقعیت که تبعیض جنسی و جنسیتی در امتداد عوامل دیگری قرار می‌گیرد که زنان[[2]](#footnote-2) و دختران، به‌ویژه کسانی که متعلق به گروه‌های محروم و یا متعلق به گروه‌های محروم فرض می‌شوند و بنابراین درخطر بیشتری برای تبدیل‌شدن به قربانیان اقدامات مضر هستند، را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۷؛ بنابراین شیوه‌های مضر تبعیض بر اساس جنس، جنسیت، سن و دیگر زمینه‌ها اغلب با توسل به آداب‌ورسوم فرهنگی- اجتماعی، مذهبی، ارزش‌ها و همچنین تصورات غلط نسبت به برخی از گروه‌های زنان و کودکان توجیه شده است. به‌طورکلی، شیوه‌های مضر اغلب با اشکال جدی خشونت همراه است یا خود نوعی خشونت علیه زنان و کودکان است. ماهیت و شیوع این شیوه‌ها در مناطق و فرهنگ‌ها متفاوت است؛ بااین‌حال، شایع‌ترین و آن‌هایی که به‌خوبی مستند شده‌اند عبارت‌اند از: ختنه زنان، ازدواج کودکان / یا ازدواج اجباری، چندهمسری، جنایات ناموسی و خشونت مرتبط به نفقه. ازآنجایی‌که این شیوه‌ها اغلب نزد هر دو کمیته مطرح می‌شود و در بعضی موارد از طریق رویکردهای قانونی و برنامه‌ای به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است، این اظهارنظر عمومی مشترک از آن‌ها به‌عنوان نمونه‌های قابل‌ملاحظه‌ای استفاده می‌کند.

۸. شیوه‌های مضر در میان جوامع گسترده‌ای در اکثر کشورهای جهان بومی هستند. بعضی از این شیوه‌ها نیز در مناطق یا کشورهایی یافت می‌شوند که درجه اول به دلیل مهاجرت، قبلاً مستند نشده‌اند، درحالی‌که در کشورهای دیگر که چنین شیوه‌هایی به دلیل عواملی مانند شرایط درگیری از بین رفته‌اند، در حال ظهور مجدد هستند.

۹. بسیاری از شیوه‌های دیگر به‌عنوان شیوه‌های مضر شناخته شده است که همه آن‌ها قویاً به نقش‌های جنسیتی و سیستم‌های روابط قدرت مردسالار متصل شده و آن‌ها را تقویت می‌کند و گاهی اوقات درک منفی یا عقاید تبعیض‌آمیز را نسبت به گروه‌های بدون امتیاز زنان و کودکان، ازجمله افراد معلول و آلبینیسم، منعکس می‌کند. این شیوه‌ها شامل موارد زیر ولی محدود به آن‌ها نمی‌شوند: غفلت از دختران (مربوط به ترجیح مراقبت پسران)، محدودیت‌های شدید، رژیم غذایی (تغذیه اجباری، تابوهای غذایی، ازجمله در دوران بارداری)، آزمایش بکارت و روش‌های مرتبط، حک علائم قبیله‌ای، مجازات‌های بدنی، سنگسار، مراسم خشونت‌آمیز، بیوه بودن، جادوگری، کودک کشی و زنای با محارم.[[3]](#footnote-3) اقدامات مضر همچنین شامل اصلاح بدن برای هدف زیبایی یا قابل ازدواج کردن دختران و زنان (مانند چاقی، انزوا، استفاده از حلقه‌هایی برای لب و بلند کردن گردن با حلقه[[4]](#footnote-4) یا در تلاش برای محافظت از دختران از بارداری زودهنگام و یا از آزار و اذیت جنسی و خشونت (مانند اتو کردن سینه). علاوه بر این، بسیاری از زنان و کودکان در سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای تحت درمان پزشکی و / یا جراحی پلاستیک به علت هنجارهای اجتماعی که برای بدن در نظر گرفته شده و نه دلایل پزشکی و بهداشتی، قرار می‌گیرند؛ و بسیاری نیز به‌صورت مداوم برای لاغری به علت مد تحت‌فشار قرار می‌گیرند که موجب اپیدمی خوردن و اختلالات سلامتی می‌شود.

**چهارم. محتوای اصلی کنوانسیون CEDAW و CRC**

۱۰. اگرچه مسئله اقدامات مضر در هنگام تهیه پیش‌نویس کمتر شناخته شده بود، هر دو کنوانسیون CEDAW و CRC شامل مقرراتی هستند که رفتارهای مضر را نقض حقوق بشر تلقی کرده و کشورهای عضو را ملزم می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که آن‌ها ممنوع شده و از بین بردن رفته‌اند. علاوه بر این، کمیته‌ها به‌طور فزاینده‌ای به این موضوع

در جریان بررسی گزارش کشورهای عضو، در گفتگوهای بعدی با دولت‌های عضو و در مشاهدات نهایی مربوطه پرداخته‌اند. این مسئله توسط هرکدام از کمیته‌ها در اظهارنظرهای عمومی مربوطه طور کلی شرح داده شده است.[[5]](#footnote-5)

۱۱. کشورهای عضو CEDAW و CRC وظیفه دارند تعهدات خود در ارتباط با احترام، محافظت و تحقق حقوق زنان و کودکان را رعایت کنند. کشورهای عضو هر دو کنوانسیون همچنین تعهد دائمی[[6]](#footnote-6) برای پیشگیری از اقداماتی دارند که به رسمیت شناختن، بهره‌مندی زنان و کودکان از حقوقشان را تضعیف می‌کنند و باید اطمینان حاصل کنند که عوامل خصوصی تبعیض علیه زنان و دختران، ازجمله خشونت‌های جنسیتی در رابطه با CEDAW یا هر نوع خشونت علیه کودکان در ارتباط با کمیته حقوق کودک را به کار نمی‌برند.

۱۲. کنوانسیون تعهدات کشورهای عضو را برای ایجاد یک چارچوب قانونی تعریف شده برای تضمین حمایت و ارتقاء حقوق بشر ترسیم می‌کند. اولین گام مهم در انجام این کار وارد کردن CEDAW و CRC در چارچوب قانونی داخلی است. هر دو کمیته CEDAW و CRC تأکید دارند که قوانینی که هدفشان از بین بردن شیوه‌های مضر است باید بودجه‌بندی مناسب، اجرا، نظارت و اقدامات اجرایی مؤثر را نیز در بر بگیرند.[[7]](#footnote-7)

۱۳. علاوه بر این، تعهد به حمایت مستلزم ایجاد ساختارهای قانونی توسط کشورهای عضو برای حصول اطمینان از بررسی سریع، بی‌طرفانه و مستقل اقدامات مضر جهت وجود اجرای قانونی مؤثر، فراهم بودن جبران خسارت مؤثر برای کسانی که از طریق چنین اعمالی آسیب دیده‌اند، است. کمیته‌ها از کشورهای عضو می‌خواهد صریحاً اقدامات مضر را قانونا ممنوع کرده و آن‌ها را کیفری اعلام کرده با توجه به‌شدت ضرر برایشان مجازات تعیین کند.

ابزار پیشگیری، حفاظت، بهبود، بازگشت به جامعه و خسارت برای قربانیان را فراهم کرده و با مصونیت اقدامات مضر مبارزه کند.

۱۴. الزام پرداختن مؤثر به اقدامات مضر ازجمله تعهدات مرکزی کشورهای عضو به‌موجب دو کنوانسیون است، حق شرط بر این‌ها و مواد مربوطه[[8]](#footnote-8) که اثر محدود یا مشروط کردن تعهدات کشورهای عضو به احترام، حفاظت و تحقق حقوق زنان و کودکان برای زندگی خالی از شیوه‌های مضر را دارد، با اهداف این دو کنوانسیون متناقض است و طبق ماده ۲۸ (۲) CEDAW و ماده ۵۱ (۲) CRC. غیرمجاز می‌باشد.

**پنجم. معیارهای تعیین شیوه‌های مضر**

۱۵. شیوه‌های مضر ر اعمال و رفتارهای مداوم و رفتارهایی است که بر اساس تبعیض جنس، جنسیت، سن و سایر زمینه‌ها و همچنین اشکال مختلف و / یا تبعیض‌های چند وجهی که اغلب شامل خشونت و آسیب فیزیکی و یا روحی و یا رنج کشیدن است. آسیب هایی که این اعمال بر قربانیان وارد می‌کند، از عواقب جسمی و روحی فوری پیشی می‌گیرد و اغلب هدف و تأثیری که موجب از بین بردن شناخت، بهره‌مندی و استفاده از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان و کودکان می‌شود، دارد. همچنین تأثیر منفی بر عزت، تمامیت جسمی، روانی و اخلاقی و توسعه، مشارکت، وضعیت سلامت، تحصیلی، اقتصادی و اجتماعی دارد؛ بنابراین این شیوه‌ها در کار کمیته‌های CEDAW و CRC منعکس شده است.

۱۶. برای هدف این اظهارنظر عمومی، برای اینکه عملی، عملی مضر در نظر گرفت شود باید معیارهای زیر را داشته باشد:

الف- آن‌ها انکار شرافت و / یا یکپارچگی فرد را نادیده گرفته و نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در دو کنوانسیون هستند؛

ب آن‌ها تبعیض علیه زنان یا کودکان را تشکیل می‌دهند و مضر هستند تا آنجا که منجر به پیامدهای منفی برای زنان به‌عنوان افراد یا گروه ها، ازجمله آسیب های جسمی، روحی، اقتصادی و اجتماعی و / یا خشونت و محدودیت‌ها در توانایی آن‌ها در مشارکت کامل در جامعه و یا توسعه و به حداکثر رساندن پتانسیل کامل آن‌ها می‌شود.

ج آن‌ها شیوه‌های سنتی، ظهور مجدد یا ظهور اعمالی هستند که توسط هنجارهای اجتماعی که تسلط مردانه و نابرابری زنان و کودکان بر اساس جنس، جنسیت، سن و دیگر عوامل را توصیه کرده و یا حفظ می‌کند؛

د آن‌ها بر زنان و کودکان توسط خانواده، اعضای جامعه، یا جامعه در کل، بدون در نظر گرفتن رضایت کامل، آزادانه و آگاهانه قربانی تحمیل می‌شوند.

**ششم. علل، اشکال و نمود اقدامات مضر**

۱۷. علل شیوه‌های مضر چند وجهی است و شامل نقش‌های متمرکز بر جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی، برتری فرضی یا فرو دست بودن هر یک از جنس‌ها، تلاش برای کنترل بر بدن و جنسیت زنان و دختران، نابرابری اجتماعی

 و غلبه ساختارهای قدرت مردانه می‌شود. تلاش برای تغییر شیوه‌ها باید به علل سیستماتیک و ساختاری اساسی شیوه‌های سنتی، ظهور و ظهور مجدد اعمال مضر، توانمند کردن زنان و دختران و همچنین پسران و مردان بپردازند تا با تغییر نگرش‌های فرهنگی سنتی که از این اعمال مضر چشم پوشی می‌کند به‌عنوان عوامل تغییر اقدام کرده و ظرفیت جوامع برای حمایت از این فرایندها را تقویت کنند.

۱۸. باوجود تلاش برای مبارزه با شیوه‌های مضر، تعداد کلی زنان و دختران تحت تأثیر قرار گرفته بسیار زیاد است و ممکن است، ازجمله به‌عنوان مثال در شرایط درگیری و بحران و به علت پیشرفت‌های تکنولوژیکی مانند استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی افزایش یابد. از طریق بررسی گزارش کشورهای عضو، کمیته‌ها خاطرنشان کرده‌اند که اغلب اعضای جوامعی که از طریق مهاجرت یا به دنبال پناهندگی به کشورهای مقصد منتقل شده‌اند، دائماً به اعمال مضر پایبند هستند. هنجارهای اجتماعی و باورهای فرهنگی حمایت کننده از این شیوه‌های مضر پافشاری کرده و هم زمان توسط جوامع به‌منظور حفظ هویت فرهنگی خود در محیط جدید، به‌ویژه در کشورهای مقصد که نقش‌های جنسیتی برای زنان و دختران آزادی‌های شخصی بیشتری فراهم می‌کند مورد تأکید قرار می‌گیرند.

**الف. ختنه زنان**

۱۹. ختنه زنان عمل از بین بردن بخش یا کل آلت تناسلی خارجی زن است و یا به نحو دیگری زخمی کردن ارگان‌های تناسلی زن به دلایل غیرپزشکی یا غیربهداشتی است. در مفهوم این اظهارنظر عمومی به‌عنوان ختنه زنان (FGM) نامیده می‌شود. FGM در هر منطقه از جهان انجام می‌شود و در برخی از فرهنگ‌ها، امری ضروری برای ازدواج است و اعتقاد بر این است که یک روش مؤثر برای کنترل جنسی زنان و دختران است. این عمل ممکن است انواع مختلفی از پیامدهای فوری و بلند مدت سلامتی ازجمله درد شدید، شوک، عفونت و عوارضی در طول زایمان که بر مادر و کودک تأثیر می‌گذارد، مشکلات زنانه بلند مدت مانند فیستول و همچنین پیامدهای روحی و مرگ داشته باشد. تخمین‌های سازمان جهانی بهداشت و یونیسف نشان می‌دهد که بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیون دختر و زن در سراسر جهان به یک نوعی از FGM مبتلا شده‌اند.

**ب. ازدواج کودک و / یا ازدواج اجباری**

۲۰. ازدواج کودک که همچنین به‌عنوان ازدواج زودهنگام نامیده می‌شود، ازدواجی است که حداقل یکی از طرفین کمتر از ۱۸ سال سن دارد. اکثریت قریب به‌اتفاق ازدواج کودکان هم به‌طور رسمی و غیررسمی، شامل دختران می‌شود، هرچند گاهی همسرانشان نیز زیر ۱۸ سال سن دارند. ازدواج کودک به‌عنوان شکلی از ازدواج اجباری در نظر گرفته می‌شود، به این معنی که یک یا هر دو طرف، رضایت آزاد و آگاهانه نداشته‌اند. در رابطه با احترام به توانایی و استقلال در حال تکامل کودک در تصمیم گیری‌هایی که بر زندگی او تأثیر می‌گذارد، در شرایط استثنایی، ازدواج فرزند بالغ زیر ۱۸ سال، در صورتی که کودک حداقل ۱۶ ساله باشد و این تصمیم توسط یک قاضی بر اساس مفاد قانونی استثنایی تعریف شده توسط قانون و بر اساس شواهد بلوغ بدون تسلیم شدن به فرهنگ‌ها و سنت‌ها صورت گرفته باشد، مجاز است.

۲۱. در برخی موارد، کودکان در سن پایین نامزد شده یا ازدواج می‌کنند. در بسیاری از موارد دختران جوان مجبور به ازدواج با یک مرد که ممکن است دهه‌ها از او بزرگ‌تر باشند می‌شوند. در سال ۲۰۱۲، یونیسف گزارش داد که تقریباً ۴۰۰ میلیون زن ۲۰ تا ۴۹ ساله در سراسر جهان قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی وارد رابطه شده یا ازدواج کرده‌اند.[[9]](#footnote-9) بنابراین کمیته‌های CEDAW و CRC توجه خاصی به مواردی داشته‌اند که دختران بر علیه رضایت کامل، آزاد و آگاهانه خود ازدواج کرده‌اند، مانند زمانی که خیلی جوان قبل از اینکه از لحاظ جسمی و روان‌شناختی برای زندگی بزرگ‌سالی آماده باشند یا برای تصمیم گیری آگاهانه آمادگی داشته باشند که در این صورت نمی‌توانسته‌اند به ازدواج رضایت دهند. مثال‌های دیگر شامل مواردی است که سرپرستان بر اساس قانون عرفی یا نوشته حق قانونی موافقت ازدواج برای دختران دارند و در نتیجه دختران بر خلاف حق آزادانه تصمیم به ازدواج مزدوج می‌شوند.

۲۲. ازدواج کودک اغلب با حاملگی‌های زودرس و مکرر و زایمان همراه است که منجر به مرگ و میر بالای مادران می‌شود. مرگ و میر ناشی از بارداری عامل اصلی مرگ و میر دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله (متأهل و مجرد) در سراسر جهان است. مرگ و میر نوزادان در میان کودکان مادران جوان (گاهی اوقات دو برابر بیشتر) نسبت به مادران مسن بالاتر است. در مورد ازدواج کودکان و یا ازدواج اجباری، به‌خصوص در جایی که شوهر به‌طور قابل‌توجهی بزرگ‌تر از عروس است و در جایی که دختران تحصیلات محدودی دارند، دختران به‌طورکلی قدرت تصمیم گیری محدودتری در رابطه با زندگی خود دارند. ازدواج‌های کودکان به افزایش نرخ ترک تحصیل در مدارس کمک می‌کند، به‌ویژه در میان دختران، محرومیت اجباری از مدرسه، خطر خشونت خانگی و محدود کردن استفاده از حق آزادی رفت و آمد را افزایش می‌دهد. ازدواج‌های اجباری اغلب منجر به عدم استقلال شخصی و اقتصادی برای دختران می‌شود و آن‌ها را مجبور به فرار، خودسوزی یا خودکشی، برای جلوگیری یا فرار از ازدواج می‌کند.

۲۳. ازدواج‌های اجباری، ازدواج هستند که یک یا هر دو طرف شخصاً رضایت کامل و آزاد خود را به ازدواج اعلام نکرده است. علاوه بر ازدواج کودکان که در بالا ذکر شد، ازدواج اجباری ممکن است در انواع مختلف دیگر، ازجمله ازدواج تعویضی یا تجاری baad and baadal))، ازدواج از پیش تعیین شده و اجبار بیوه به ازدواج با فامیل شوهر مرحومش (levirate marriags). در برخی موارد، ازدواج اجباری ممکن است زمانی رخ دهد که فرد متجاوز برای فرار از مجازات، معمولاً با موافقت خانواده، با قربانی ازدواج می‌کند. ازدواج‌های اجباری ممکن است در زمینه مهاجرت رخ دهد تا اطمینان حاصل شود که دختر در میان جامعه خود ازدواج کرده یا برای اعضای خانواده یا دیگران مدارکی برای مهاجرت یا زندگی در کشور مقصد فراهم کند. ازدواج اجباری در طول جنگ به‌طور فزاینده‌ای توسط گروه‌های مسلح مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا می‌تواند وسیله‌ای باشد برای نجات دختر از فقر پس از جنگ.[[10]](#footnote-10) ازدواج اجباری همچنین ممکن است به‌عنوان ازدواجی تعریف شود که در آن یکی از طرفین مجاز به پایان دادن یا ترک آن نیست.

۲۴. پرداخت نفقه و مهریه که در بین جوامع متفاوت است، ممکن است آسیب پذیری زنان و دختران را به خشونت و دیگر اعمال مضر افزایش دهد. شوهر یا اعضای خانواده‌اش ممکن است در اعمال خشونت جسمی یا روحی ازجمله

 قتل، سوزندان و حملات اسیدی، برای عدم بر آورده کردن انتظارات در مورد پرداخت جهیزیه یا میزان آن، مشارکت داشته باشند. در برخی موارد خانواده‌ها با "ازدواج " موقت دخترشان در ازای دریافت مال، که ازدواج قراردادی نیز نامیده می‌شود، که یک نوع از قاچاق انسان است، موافقت می‌کنند. کشورهای عضو پروتکل اختیاری CRC در مورد فروش کودکان، فحشاء و پورنو گرافی کودکان OP-SC) ) دارای تعهدات صریح در رابطه با فرزند و یا ازدواج اجباری که شامل پرداخت جهیزیه یا مهریه می‌شود هستند، زیرا این امر ممکن است "فروش کودکان " به‌حساب آید که در ماده ۲ الف پروتکل تعریف شده است.[[11]](#footnote-11) کمیته رفع تبعیض از زنان بارها و بارها تأکید کرده است که اجازه دادن به ازدواج با چنین پرداختی، حق انتخاب آزاد همسر را نقض می‌کند و در اظهارنظر عمومی شماره ۲۹ (۲۰۱۳) مشخص کرده که چنین قانونی نباید برای صحت ازدواج مجاز باشد و چنین توافقنامه‌ای نباید توسط کشور عضو به رسمیت شناخته شود.

**پ. چندهمسری**

۲۵. چندهمسری بر خلاف شأن زنان و دختران است و حقوق و آزادی‌ها، ازجمله برابری و حمایت در خانواده را نقض می‌کند. چندهمسری در سراسر و درون حوزه‌های قانونی و اجتماعی مختلف متفاوت است و تأثیر آن شامل: آسیب رساندن به‌سلامت همسران؛ فهم سلامت فیزیکی، روانی و اجتماعی؛ عواقب مادی و محرومیت همسران و آسیب های عاطفی و مادی به کودکان، اغلب با عواقب جدی برای رفاه آن‌ها، می‌شود.

۲۶. درحالی‌که تعداد زیادی از کشورها تصمیم بر ممنوعیت چندهمسری گرفته‌اند، همچنان در بعضی از کشورها، چه به‌طور قانونی و چه غیرقانونی صورت می‌گیرد. اگرچه در طول تاریخ، سیستم‌های خانواده چندهمسری در جوامع کشاورزی خاصی به‌عنوان راهی برای تضمین نیروی کار بیشتر برای خانواده بوده، برعکس مطالعات نشان داده‌اند که چندهمسری اغلب منجر به افزایش فقر در خانواده، به‌ویژه در مناطق روستایی می‌شود.

۲۷. هم زنان و دختران در ازدواج‌های چندهمسری هستند و شواهد نشان می‌دهد که احتمال نامزد شدن یا ازدواج کردن دختران با مردان بسیار مسن‌تر بیشتر است که افزایش خطر خشونت و نقض حقوق آن‌ها را بالا می‌برد. همزیستی قوانین با مذهب، احوال شخصیه و قوانین و شیوه‌های معمول سنتی اغلب به تداوم این اعمال کمک می‌کند. بااین‌حال، در برخی از کشورهای عضو، چندهمسری توسط قوانین مدنی مجاز است. مقررات قانون اساسی و سایر مقرراتی که در حقیقت از حق داشتن فرهنگ و مذهب حمایت می‌کنند نیز برای توجیه قوانین و شیوه‌هایی که چند همسری را مجاز می‌دانند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲۸. کشورهای عضو کنوانسیون CEDAW دارای تعهدات صریح برای عدم تشویق و ممنوعیت چندهمسری هستند چرا که با کنوانسیون در تضاد است.[[12]](#footnote-12) کمیته CEDAW همچنین ادعا می‌کند که چندهمسری تأثیرات مهمی در رفاه اقتصادی زنان و کودکان آن‌ها دارد.[[13]](#footnote-13)

**ت. جرائم ناموسی**

۲۹. جرائم ناموسی، اعمال خشونت‌آمیزی است که هرچند نه منحصراً اما به‌طور نامتناسب بر علیه دختران و زنان صورت می‌گیرد، زیرا اعضای خانواده معتقدند که رفتارهای مظنون یا واقعی، موجب ننگ خانواده یا جامعه می‌شوند. چنین رفتارهایی شامل روابط جنسی قبل از ازدواج، عدم موافقت با ازدواج ترتیب داده شده، ازدواج بدون رضایت والدین، زنا، تقاضای طلاق، لباس پوشیدن به گونه غیرقابل پذیرش در جامعه، کار در خارج از منزل و یا به‌طورکلی عدم سازگاری با نقش‌های کلیشه‌ای جنسیتی، می‌شود. جرائم ناموسی ممکن است بر علیه دختران و زنان صورت بگیرد زیرا آن‌ها قربانی خشونت جنسی شده‌اند.

۳۰. این جنایات شامل قتل و اغلب توسط همسر، بستگان زن یا مرد و یا اعضای جامعه قربانی صورت می‌گیرد.

جنایات ناموسی به‌جای اینکه اعمال کیفری علیه زن به‌حساب آیند اغلب توسط جامعه به‌عنوان ابزاری برای حفظ و / یا احیای استانداردهای فرهنگی، سنتی، عرفی یا مذهبی خود به دنبال گناه ادعایی صورت گرفته، ضمانت اجرا پیدا می‌کند. در بعضی موارد، قوانین ملی یا کاربرد عملی آن یا فقدان قانون، اجازه می‌دهد که متهم از دفاع ناموس برای رهایی از مجازات یا شرط مخففه که موجب کاهش مجازات یا مصونیت می‌شود، استفاده کند. علاوه بر این، تعقیب پرونده به علت عدم تمایل افراد آگاه به پرونده برای ارائه مدارک قانونی ممکن است با مشکل مواجه شود.

**هفتم. چارچوب جامع برای رسیدگی به اقدامات مضر**

۳۱. هر دو کنوانسیون CEDAW و CRC اشاره خاصی به حذف اقدامات مضر دارند. کشورهای عضو CEDAW ملزم به برنامه ریزی و تصویب قوانین، سیاست‌ها و اقدامات مناسب هستند و اطمینان حاصل می‌کنند که اجرای آن‌ها به‌طور مؤثر به موانع خاص، محدودیت‌ها و مقاومت در برابر از بین بردن تبعیض که منجر به ظهور شیوه‌های مضر و خشونت علیه زنان می‌شود، پاسخ می‌دهد (مواد ۲ و ۳). کشورهای عضو باید، بااین‌حال، قادر به نشان دادن ارتباط مستقیم و مناسب اقدامات اتخاذ شده باشند، اول و مهم‌تر از همه به‌منظور تضمین عدم نقض حقوق بشر زنان و اینکه آیا چنین اقداماتی به نتایج مطلوب و مستقیم می‌رسند. علاوه بر این، تعهدات کشورهای عضو برای پیگیری چنین سیاست‌های هدفمندی، ماهیت فوری دارد و کشورهای عضو نمی‌توانند تأخیر را در هر زمینه‌ای ازجمله زمینه‌های فرهنگی و مذهبی توجیه کنند. کشورهای عضو CEDAW همچنین موظف به انجام تمام اقدامات مناسب، ازجمله اقدامات ویژه موقت ماده ۴ (۱) ۱۴[[14]](#footnote-14) برای "اصلاح الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتارهای مردان و زنان باهدف دستیابی به از بین بردن تعصبات و رفتارهای معمول و سایر رفتارهایی است که بر پایه ایده‌ی پایین‌تر بودن یا برتری هر یک از جنس‌ها یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان استوار است " (ماده ۵ (الف)) و اطمینان حاصل کنند که " نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد " (ماده ۱۶ (۲)).

۳۲. از سوی دیگر، CRC، کشورهای متعاهد را مجبور می‌کند "همه اقدامات مناسب و کار آمد را با توجه به لغو شیوه‌های سنتی برای سلامتی کودکان "(ماده ۲۴ (۳)) به کار گیرند. علاوه بر این، CRC حمایت از کودک در برابر تمام انواع خشونت، ازجمله خشونت جسمی، جنسی یا روحی (ماده ۱۹)، را فراهم می‌کند و از دولت‌های عضو می‌خواهد تا اطمینان حاصل کنند که هیچ کودکی مورد شکنجه و یا سایر رفتارهای خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نمی‌گیرد (ماده ۳۷ (الف). CRC چهار اصل کلی کنوانسیون را در خصوص موضوع اقدامات مضر، یعنی

حفاظت از تبعیض (ماده ۲)، حصول اطمینان از بهترین منافع کودک (ماده ۳ (۱))،[[15]](#footnote-15) حفظ حق زندگی، بقا و توسعه (ماده ۶) و حق فرزند برای شنیده شدن (ماده ۱۲)، به کار می‌برد.

۳۳. در هر دو مورد، پیشگیری مؤثر و حذف شیوه‌های مضر، نیازمند ایجاد یک استراتژی جامع و مبتنی بر حقوق بنیادی و مرتبط با محل است که شامل اقدامات قانونی و سیاسی حمایتی ازجمله اقدامات اجتماعی که با یک تعهد سیاسی متناسب و پاسخگویی در تمام مراحل ترکیب شده است. تعهدات مندرج در CEDAW و CRC مبنای توسعه یک استراتژی جامع برای از بین بردن شیوه‌های مضر که عناصر آن در این GR / GC تعیین شده است، فراهم می‌کند.

۳۴. چنین استراتژی جامع باید به‌صورت عمودی و افقی هماهنگ با تلاش‌های ملی برای جلوگیری از همه انواع شیوه‌های مضر و مقابله با آن باشد. هماهنگی افقی نیاز به سازماندهی در سراسر بخش‌ها، ازجمله آموزش و پرورش، بهداشت، عدالت، رفاه اجتماعی، اجرای قانون، مهاجرت و پناهندگی، ارتباطات و رسانه‌ها دارد. به‌طور مشابه، هماهنگی عمودی نیاز به سازمان بین عوامل محلی، منطقه‌ای و ملی و با مقامات سنتی و مذهبی دارد. برای تسهیل این فرایند، توجه باید به واگذاری مسئولیت این کار به یک نهاد موجود یا به‌طور خاص تأسیس شده سطح بالا در هماهنگی با سایر ذینفعان مرتبط معطوف شود.

۳۵. پیاده سازی هر استراتژی جامع الزاماً نیاز به ارائه منابع مناسب سازمانی، انسانی، فنی و مالی که با اقدامات و ابزار مناسب نظیر مقررات، سیاست‌ها، برنامه‌ها و بودجه‌ها تکمیل شده است، دارد. علاوه بر این، کشورهای عضو موظف هستند اطمینان حاصل کنند که یک مکانیسم نظارت مستقل برای پیگیری پیشرفت در حمایت از زنان و کودکان از شیوه‌های مضر و تحقق حقوق آن‌ها وجود دارد.

۳۶. طیف گسترده‌ای از ذینفعان دیگر ازجمله مؤسسات مستقل حقوق بشر ملی، سلامت، آموزش و پرورش و متخصصان اجرای قانون، جامعه مدنی و همچنین افرادی که در این فعالیت‌ها شرکت می‌کنند، نیز باید در استراتژی‌هایی که هدف از بین بردن شیوه‌های مضر را دارند دخیل شوند.

**ث. جمع آوری و نظارت بر داده‌ها**

۳۷. جمع آوری، تجزیه و تحلیل، انتشار و استفاده منظم و جامع از داده‌های کمی و کیفی برای اطمینان از سیاست‌های مؤثر، توسعه استراتژی‌های مناسب و فرموله کردن اقدامات و همچنین برای ارزیابی تأثیر و پیشرفت روند مانیتورینگ به دست آمده در راستای حذف شیوه‌های مضر و شناسایی اقدامات مضر موجود و در حال ظهور، اساسی است. در دسترس بودن اطلاعات اجازه بررسی روند و ایجاد ارتباط مناسب بین سیاست‌ها و اجرای برنامه مؤثر توسط عوامل دولتی و غیردولتی و میزان تغییرات مربوط به نگرش، رفتار، شیوه‌ها و تفوق آن‌ها را می‌دهد. داده‌های تفکیک شده بر اساس جنس، سن، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اجتماعی- اقتصادی، سطح آموزش و پرورش و دیگر عوامل کلیدی برای شناسایی گروه‌های محروم و در معرض خطر زنان و کودکان، که راهنمای سیاست گذاری و عمل برای پرداختن به اعمال مضر است، اساسی می‌باشد.

۳۸. باوجود این شناخت، داده‌های جمع آوری شده در مورد شیوه‌های مضر همچنان محدود بوده و در کشورهای مختلف به‌ندرت قابل مقایسه هستند و در طی زمان منجر به درک محدودی از میزان و تکامل مشکل و شناسایی اقدامات طراحی شده مناسب و هدفمند می‌شوند.

**۳۹. کمیته‌ها توصیه می‌کنند کشورهای عضو کنوانسیون‌ها:**

**(الف) جمع آوری، تجزیه و تحلیل، انتشار و استفاده از داده‌های کمی و کیفی در مورد شیوه‌های مضر را با توجه به جنس، سن، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، سطح تحصیلات و سایر عوامل کلیدی، اولویت بندی کنند و اطمینان حاصل کنند که این فعالیت‌ها به‌اندازه کافی از منابع برخوردار هستند. سیستم‌های منظم جمع آوری اطلاعات باید در زمینه مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی، آموزش و پرورش، بخش‌های قضایی و اجرای قانون در مورد مسائل مرتبط حمایت شده، باید ایجاد و حفظ شود.**

**(ب) داده‌ها را از طریق استفاده از نظر آمار گیری ملی و شاخص‌های نظر سنجی و سرشماری که ممکن است با داده‌های ارائه شده از نظرسنجی‌های خانوارهای ملی تکمیل شود، جمع آوری کنند. تحقیقات کیفی باید از طریق مباحث گروه‌های فشرده، مصاحبه‌های کلیدی آگاهانه با طیف وسیعی از ذینفعان، مشاهدات ساختاری، نقشه برداری اجتماعی و سایر روش‌های مناسب به دست آید.**

**ب. قانون و ضمانت اجرای آن**

۴۰. عنصر کلیدی هر استراتژی جامع، توسعه، تصویب، اجرا و نظارت بر قوانین مربوطه است. هر کشور عضو موظف است[[16]](#footnote-16) تا پیام روشن جهت محکومیت اقدامات مضر ارسال کند، حمایت قانونی برای قربانیان فراهم کرده، عوامل دولتی و غیردولتی برای حمایت از زنان و کودکان در معرض خطر قادر ساخته، پاسخ‌های مناسب فراهم کرده و دسترسی به جبران خسارت و پایان دادن به مصونیت را تضمین کند.

۴۱. با این وجود تصویب قانون به‌تنهایی برای مبارزه با مؤثر با اقدامات مضر ناکافی است. مطابق با تعهد اتخاذ اقدامات منطقی، قانون باید با مجموعه‌ای از اقدامات جامع برای تسهیل اجرا، انجام، پی گیری، نظارت و ارزیابی نتایج به دست آمده تکمیل شود.

۴۲. برخلاف تعهد کشورهای عضو تحت هر دو کنوانسیون، بسیاری از آن‌ها مقررات قانونی را که منجر به اقدامات مضر شده یا آن‌ها را مجاز می‌شمارند یا توجیه می‌کنند را جایز شمرده‌اند؛ مانند اینکه قانون ازدواج کودکان را اجازه می‌دهند یا دفاع «ناموس» را به‌عنوان عامل رفع مسئولیت یا تخفیف دهنده مجازات در جرائم علیه دختران و زنان قبول می‌کنند یا قوانینی که به متجاوز اجازه می‌دهد تا برای فرار از مجازات با قربانی تجاوز ازدواج کند.

۴۳. در کشورهایی با سیستم‌های قانونی چندگانه، حتی در مواردی که قوانین به‌صراحت اقدامات مضر را ممنوع کرده است، ممنوعیت به‌طور مؤثر اجرا نمی‌شود، زیرا وجود قوانین عرفی، سنتی یا مذهبی ممکن است در حقیقت از اقدامات مضر حمایت کنند.

۴۴. پیش‌داوری و ظرفیت ضعیف برای رسیدگی به حقوق زنان و کودکان در میان قضات در دادگاه‌های عادی و مذهبی یا مکانیسم‌های سنتی قضاوت و اعتقاد بر این که مسائلی که در حدود صلاحیت چنین سیستم‌های عادی قرار می‌گیرد نباید تحت بررسی دولت یا سایر دستگاه‌های قضایی قرار گیرد، دسترسی به عدالت را برای قربانیان اقدامات مضر محدود کرده و یا نادیده می‌گیرد.

۴۵. مشارکت کامل و جامع ذینفعان مربوطه در تهیه پیش‌نویس مقرراتی علیه شیوه‌های مضر می‌تواند اطمینان حاصل کند که نگرانی‌های اصلی مربوط به این عمل به‌درستی شناسایی شده و به آن‌ها پرداخته می‌شود. مشارکت دادن و درخواست منابع از جوامع، سایر ذینفعان مرتبط و اعضای جامعه مدنی، در این پروسه مهم است. با این وجود، مراقبت باید صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود که نگرش‌های حاکم و هنجارهای اجتماعی که از شیوه‌های مضر حمایت می‌کنند، تلاش‌های لازم را برای تصویب و اجرای قوانین تضعیف نمی‌کنند.

۴۶. بسیاری از کشورها گام‌هایی را برای مرکز زدایی قدرت دولتی از طریق واگذاری و انتقال قدرت برداشته‌اند اما

امر نباید تعهدشان را در مورد تصویب قوانینی که فعالیت‌های مضر را ممنوع کرده و در سراسر قلمرو صلاحیت آن‌ها قابل اجرا است، کمرنگ کرده یا از بین ببرد. باید اطمینان حاصل شود که تمرکززدایی یا تفویض قدرت منجر به تبعیض در رابطه با حفاظت از زنان و کودکان در برابر اقدامات مضر در مناطق مختلف و حوزه‌های فرهنگی نمی‌شود. مقامات تفویضی باید مجهز به منابع ضروری انسانی، مالی، فنی و دیگر منابع برای اجرای مؤثر قوانین که هدفشان از بین بردن شیوه‌های مضر است، باشند.

۴۷. گروه‌های فرهنگی درگیر در اقدامات مضر ممکن است به گسترش این شیوه‌ها در سراسر سرحدات ملی کمک کنند و در این صورت، اقدامات مناسب برای محدود کردن گسترش این شیوه‌ها ضروری است.

۴۸. مؤسسات ملی حقوق بشر نقشی کلیدی در ترویج و حمایت از حقوق بشر، ازجمله حق افراد برای رها بودن از اقدامات مضر و افزایش آگاهی عمومی از این حقوق را دارند.

۴۹. افرادی که خدماتی را برای زنان و کودکان ارائه می‌دهند، به‌ویژه پرسنل پزشکی و معلمان، به‌طور منحصر به فرد در موقعیتی برای شناسایی قربانیان واقعی یا بالقوه اقدامات مضر قرار می‌گیرند. بااین‌حال آن‌ها اغلب موظف به رعایت مقررات حفظ اسرار هستند که ممکن است با تعهد آن‌ها به گزارش وقوع واقعی اقدام مضر یا احتمال وقوع آن در تضاد باشد. این امر باید با مقررات خاصی که گزارش دهی این حوادث را اجباری می‌کند برطرف شود.

۵۰. در مواردی که متخصصین پزشکی یا کارمندان دولتی در انجام اقدامات مضر مشارکت دارند، وضعیت و مسئولیت آن‌ها، ازجمله گزارش دادن، باید به‌عنوان یک شرایط سخت‌گیرانه در تعیین مجازات‌های کیفری یا تحریم‌های اداری مانند از دست دادن مجوز حرفه‌ای و خاتمه قرارداد که باید بعد از صدور هشدارها باشد، دیده شود. آموزش سیستماتیک برای متخصصین مربوطه به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه مؤثر در این زمینه در نظر گرفته شده است.

۵۱. اگرچه مجازات‌های قانون کیفری باید به‌طور مداوم به نحوی که به جلوگیری و از بین بردن شیوه‌های مضر کمک کند، اجرا شود، کشورهای عضو همچنین باید تهدیدات بالقوه و تأثیر منفی آن را بر قربانیان، ازجمله اقدامات تلافی‌جویانه، موردتوجه قرار دهند.

۵۲. جبران خسارت ممکن است در مناطق با (اقدامات مضر) رواج بالا امکان پذیر نباشد. در هر حال، زنان و كودكانی كه از شیوه‌های مضر تحت تأثیر قرار می‌گیرند باید به مراكز قانونی، حمایت از قربانیان و خدمات توان‌بخشی و نیز فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی دسترسی داشته باشند.

۵۳. بهترین منافع کودک و حمایت از حقوق دختران و زنان همیشه باید موردتوجه قرار گیرد و شرایط لازم باید در اختیار آن‌ها قرار گیرد تا بتوانند دیدگاه خود را بیان کنند و اطمینان حاصل کنند که به نظراتشان اهمیت داده می‌شود. توجه دقیق باید به تأثیر احتمالی کوتاه مدت و درازمدت بر روی کودکان یا زنان ازدواج کودکان و/ یا ازدواج اجباری، برگرداندن جهیزیه و مهریه، معطوف شود.

۵۴. کشورهای عضو، و به‌ویژه مقامات مهاجرت و پناهندگی باید آگاه باشند که زنان و دختران ممکن است از کشور خود برای جلو گیری از انجام اقدامات مضر، فرار کنند. این مقامات باید آموزش‌های مناسب فرهنگی، قانونی و جنسیتی را در مورد اقداماتی که باید برای حفاظت از آن‌ها انجام شود، دریافت کنند.

۵۵. کمیته‌ها توصیه می‌کنند که کشورهای عضو کنوانسیون‌ها با دید پرداختن مؤثر و حذف اقدامات مضر قوانین را تصویب یا اصلاح کنند. در انجام این کار، دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که:

(الف) پروسه تهیه پیش‌نویس قانون کاملاً جامع و مشارکتی است. برای این منظور، آن‌ها باید تبلیغات و آگاهی رسانی هدفمند را انجام دهند و از اقدامات بسیج اجتماعی برای ایجاد دانش عمومی و حمایت از پیش‌نویس، تصویب، انتشار و اجرای قانون استفاده کنند.

(ب) قانون در تطابق کامل با تعهدات مربوطه در

CEDAW و CRC و سایر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر که اقدامات مضر را ممنوع کرده و بر قوانین عرفی، سنتی یا مذهبی که هر گونه اقدام مضر را اجازه داده یا توصیه می‌کند، به‌ویژه در کشورهایی با نظام‌های قانونی متعدد؛ برتری دارد.

(پ) همه قوانینی که اقدامات مضر را اجازه داده یا منجر به آن‌ها می‌شود و یا از آن‌ها چشم پوشی می‌کند، ازجمله قوانین سنتی، عرفی یا مذهبی، و هر قانون دیگری که "دفاع از ناموس " را به‌عنوان دفاع یا عامل تخفیف در جرائم ناموسی می‌داند، بدون تأخیر بیشتر لغو کنند؛

(ت) قانون سازگار و جامع و مفصل است و راهنمایی با جزئیات در مورد پیشگیری، حفاظت، پشتیبانی و پیگیری خدمات و کمک به قربانیان، ازجمله در راستای بهبود روحی و جسمی و اجتماعی آن‌ها و بازگشت مجدد و توسط قانون مدنی و / یا اداری کافی تکمیل می‌شود؛

(ث) قوانینی که به نحو کافی، ازجمله از طریق فراهم كردن مبنايي براي تصويب اقدامات موقت ویژه، به دلایل ریشه‌ای رفتارهاي مضر، ازجمله تبعيض بر اساس جنس، جنسیت، سن و ساير عوامل اینترسکس پرداخته و بر حقوق بشر و نيازهاي قربانيان نيز تمركز کرده و به‌طور کامل، بهترین منافع کودکان و زنان را در نظر بگیرد؛

(ج) حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران با رضایت والدین یا بدون آن ۱۸ سال تعیین می‌شود. وقتی استثناهایی در ازدواج در سن کمتر در شرایط استثنایی مجاز دانسته شده، حداقل سن مطلقاً نباید کمتر از ۱۶ سال باشد

دلایل برای اخذ مجوز باید قانونی بوده و مؤکدا توسط قانون تعریف شود و ازدواج تنها توسط اجازه دادگاه پس از رضایت کامل، آزاد و آگاهانه کودک یا هر دو کودک که به‌طور شخصی در دادگاه ظاهر می‌شوند صورت می‌گیرد؛

(چ) یک الزام قانونی ثبت ازدواج، ایجاد و اجرای مؤثر از طریق آگاهی رسانی، آموزش و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای در دسترس قرار دادن ثبت برای همه افراد در حوزه قضایی است؛

(ح) یک سیستم ثبت احوال ملی، اجباری، آزاد و رایگان از همه کودکان برای جلوگیری از فعالیت‌های مضر ازجمله ازدواج کودکان، ایجاد شده است؛

(خ) مؤسسات ملی حقوق بشر وظیفه بررسی شکایات فردی و انجام تحقیقات، ازجمله مواردی که از جانب زنان یا کودکان و یا به‌طور مستقیم توسط زنان و اطفال ارائه می‌شود، به شیوه‌ی محرمانه، با روش حساس به جنسیت و مساعد برای کودکان، را عهده دار شده‌اند؛

(د) افراد حرفه‌ای و مؤسساتی که برای و با کودکان و زنان مشغول به کار هستند، قانونا عهده دار ارائه گزارش از حوادث واقعی و یا خطر چنین حوادثی هستند چنانچه دلایل معقول برای وقوع اقدام مضر و یا احتمال وقوع آن، داشته باشند. مسئولیت گزارش دهی اجباری باید حفاظت حریم خصوصی و محرمانه بودن کسانی که گزارش می‌دهند را تضمین کند؛

(ذ) تمام ابتکارات برای پیش‌نویس کردن و اصلاح قوانین کیفری باید همراه با اقدامات و خدمات حفاظتی برای قربانیان و کسانی که در معرض اقدامات مضر هستند، باشد.

(ر) قوانینی که ایجاد صلاحیت قضایی می‌کنند در مورد جرائم اقدامات مضر که به اتباع کشورهای عضو و ساکنان عادی، حتی زمانی که در کشور دیگری صورت می‌گیرد که در آنجا جرم نیستند؛

(ز) قوانین و سیاست‌های مربوط به مهاجرت و پناهندگی خطر ابتلا به اقدامات مضر و یا آزار و اذیت و تعقیب قضایی در نتیجه اقدام مضر را به‌عنوان زمینه‌ای برای اعطای پناهندگی به رسمیت می‌شناسد. رسیدگی به هر پرونده‌ای جهت فراهم کردن حمایت از بستگانی که همراه دختر یا زن هستند باید بر اساس خود آن پرونده باشد؛

(ژ) قوانین شامل مقررات مربوط به ارزیابی و نظارت قانون، ازجمله در رابطه با اجرا و پیگیری است؛

(س) زنان و كودكان در معرض اقدامات مضر دسترسی برابر به عدالت، ازجمله از طریق رسیدگی به موانع قانونی و عملی برای آغاز محاکمه‌های قانونی، مانند دوره محدود برای آغاز روند قانونی، و مجرمان و اشخاصی كه این اقدامات را انجام می‌دهند پاسخگو باشند؛

(ش) قوانین دستورهای خودداری اجباری و دستورهای حمایتی برای محافظت از افرادی که در معرض خطر ابتلا به اقدامات مضر قرار دارند را در برگرفته و همچنین ایمنی و اقدامات لازم برای محافظت از قربانیان از مجازات را فراهم می‌کنند.

(ط) قربانیان نقض یک یا هر دو کنوانسیون عملاً دسترسی برابر به راهکارهای قانونی و جبران خسارت مناسب دارند؛

**پ. پیشگیری از اقدامات مضر**

۵۶. یکی از اولین اقدامات در مبارزه با شیوه‌های مضر، پیشگیری است. هر دو کمیته‌ها تأکید کرده‌اند که پیشگیری بهتر می‌تواند از طریق یک روش مبتنی بر حقوق بشر برای تغییر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، توانمند سازی زنان و دختران، ظرفیت سازی همه متخصصان مرتبط که در تماس منظم با قربانیان، قربانیان احتمالی و عاملان اقدامات مضر در همه سطوح هستند، بالا بردن سطح و افزایش آگاهی از علل و پیامدهای اقدامات مضر، ازجمله از طریق گفتگو با ذینفعان مربوطه، به دست آید.

**۱. ایجاد هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر حقوق**

۵۷. هنجار اجتماعی یک عامل کمک کننده و تعیین کننده اجتماعی اقدامات خاص در جامعه است که می‌تواند مثبت باشد و هویت و انسجام آن را تقویت کند یا ممکن است منفی باشد و به‌طور بالقوه منجر به آسیب شود. همچنین یک قانون اجتماعی رفتار است که اعضای یک جامعه انتظار دارند که آن‌ها را مشاهده کنند. این باعث ایجاد و درک جمعی از تعهدات و انتظارات اجتماعی است که رفتار اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حتی اگر شخصاً با این عمل موافق نباشند. به‌عنوان مثال، جایی که ختنه زنان (FGM) یک نرم اجتماعی است، والدین انگیزه دارند تا با ختنه دخترانشان موافقت کنند، چرا که می‌بینند سایر والدین این کار را انجام می‌دهند و معتقدند که دیگران نیز انتظار دارند که آن‌ها هم همین کار را انجام دهند. این عادت یا عمل اغلب توسط زنان دیگر در شبکه‌های اجتماعی که قبلاً تحت این عمل قرار گرفته‌اند، ادامه می‌یابد و فشار بیشتری بر زنان جوان‌تر وارد می‌کند که یا در پی تطبیق با این کار باشند و یا ریسک طرد، فرار کردن و انگ خوردن را متقبل شوند. این حاشیه سازی ممکن است شامل از دست دادن حمایت اقتصادی و اجتماعی و تحرک اجتماعی شود. برعکس، اگر افراد با نرم اجتماعی همخوانی داشته باشند، انتظار می‌رود برای مثال از طریق در برگرفتن آن‌ها و ستایش کردن پاداش بگیرند. تغییر هنجارهای اجتماعی که پایه گذار و توجیه شیوه‌های مضر است، نیازمند به چالش کشیدن و اصلاح این انتظارات است.

۵۸. هنجارهای اجتماعی متصل هستند؛ بنابراین شیوه‌های مضر را نمی‌توان در انزوا، بلکه باید در چهارچوب گسترده‌تر بر اساس درک جامع از این که این شیوه‌ها چگونه با دیگر هنجارهای فرهنگی و اجتماعی و همچنین سایر شیوه‌ها مرتبط است، در نظر گرفت. این نشان می‌دهد که نیاز به اتخاذ یک رویکرد مبتنی بر حقوق است بر پایه شناخت این که حقوق یکپارچه و وابسته به یکدیگر است، پایه ریزی شده است.

۵۹. یک چالش اساسی که با آن مواجه شود این واقعیت است که شیوه‌های مضر ممکن است به‌عنوان اقداماتی که تأثیرات مثبت برای قربانی و اعضای خانواده و جامعه آن‌ها دارد شناخته شود. در نتیجه محدودیت‌های قابل‌توجهی برای هر رویکردی است که تنها به تغییر رفتار فردی اهمیت می‌دهد. در عوض، نیاز به یک رویکرد جامع مبتنی و جمعی وجود دارد. مداخلات فرهنگی حساس که حقوق بشر را تقویت می‌کند و جوامع کارآفرین را قادر می‌سازد تا به‌طور جمعی کاوش کرده و به توافق برسند که راه‌های جایگزین برای انجام ارزش‌های خود و احترام به سنت‌ها بدون ایجاد صدمه و نقض حقوق بشر زنان و کودکان می‌تواند منجر به از بین بردن اقدامات مضر و تصویب جمعی قوانین جدید اجتماعی شود. ابراز عمومی تعهد جمعی به این شیوه‌های جایگزین می‌تواند به تقویت پایداری درازمدت آن‌ها کمک کند. در این راستا، مشارکت فعال رهبران جامعه بسیار مهم است.

۶۰. کمیته‌ها توصیه می‌کنند که کشورهای عضو کنوانسیون‌ها اطمینان حاصل کنند که هر گونه تلاش برای مقابله با اقدامات مضر و چالش و تغییر هنجارهای اساسی اجتماعی، یکپارچه و مبتنی بر جامعه و بر رویکرد مبتنی بر حقوق بشر است که شامل مشارکت فعال تمامی ذینفعان مربوطه، به‌ویژه زنان و دختران می‌شود.

۲**. توانمندسازی زنان و دختران**

۶۱. دولت‌ها موظف به چالش و تغییر ایدئولوژی‌های پدرسالارانه و ساختاری که زنان و دختران را به‌طور کامل از حقوق و آزادی‌های خود محروم کرده است، هستند. برای غلبه بر انزوا و فقر اجتماعی که بسیاری از دختران و زنان آن را تجربه می‌کنند که آسیب‌پذیری‌های آن‌ها را نسبت به استثمار، اقدامات مضر و دیگر انواع خشونت مبتنی بر جنسیت افزایش می‌دهد، آن‌ها باید مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای دفاع از حقوق خود، ازجمله تصمیم گیری مستقل و آگاهانه درباره زندگی خودشان، مجهز شوند. در این زمینه، آموزش و پرورش یک ابزار مهم برای توانمند سازی زنان و دختران در ادعای حقوق خود است.

۶۲. بین میزان تحصیلات پایین دختران و زنان و شيوع اقدامات مضر رابطه مشخصی وجود دارد. کشورهای عضو دو کنوانسیون دارای تعهداتی برای تضمین حقوق جهانی آموزش با کیفیت و ایجاد محیطی برای زنان و دختران و که بتوانند تبدیل به عاملان تغییر شوند (کنوانسیون حقوق کودک مواد ۲۸-۲۹؛ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان ماده ۱۰). این امر مستلزم ثبت نام عمومی و رایگان و اجباری در مدارس ابتدایی و حضور منظم، جلوگیری از ترک تحصیل، حذف اختلافات موجود جنسیتی و حمایت از دسترسی دختران حاشیه نشین، ازجمله افرادی که در جوامع دور افتاده و روستایی زندگی می‌کنند، است. در اجرای این تعهدات امنیت مدارس و محیط اطراف آن، محیط دوستانه برای دختران که منجر به عملکرد مطلوب دختران شود، باید موردتوجه قرار گیرد.

۶۳. اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، منافع کوتاه مدت و بلند مدت برای دختران از طریق کمک به پیشگیری از ازدواج کودکان و حاملگی نوجوانان، میزان پایین‌تر مرگ و میر نوزادان و مادران، و آماده کردن زنان و دختران برای بهتر مطالبه کردن حقشان به عدم خشونت و افزایش فرصت‌های مشارکت مؤثر در تمامی حوزه‌های زندگی، فراهم می‌کند. کمیته‌ها به‌طور دائم کشورهای عضو را تشویق می‌کنند تا اقداماتی برای افزایش ثبت نام و ابقا در آموزش متوسطه، ازجمله با اطمینان از اینکه دانش آموزان تحصیلات اولیه را کامل می‌کنند، لغو هزینه‌های تحصیلی برای آموزش ابتدایی و متوسطه، ترویج دسترسی عادلانه به آموزش متوسطه، ازجمله فرصت‌های آموزش فنی حرفه و اهمیت دادن به اجباری بودن تحصیلات متوسطه، انجام دهند. دختران نوجوان در طول و بعد از حاملگی حق دارند که تحصیلات خود را ادامه دهند که می‌تواند از طریق سیاست‌های بازگشت غیر تبعیض‌آمیز تضمین شود.

۶۴. برای دختران خارج از مدرسه، آموزش غیررسمی اغلب تنها راه یادگیری آن‌هاست و باید آموزش‌های ابتدایی و آموزش مهارت‌های زندگی را فراهم کند. این یک جایگزین برای تحصیلات رسمی برای کسانی است که مدرسه ابتدایی یا متوسطه را کامل نکرده‌اند و همچنین ممکن است از طریق برنامه‌های رادیویی و سایر رسانه‌ها، ازجمله رسانه‌های دیجیتال، در دسترس قرار گیرد.

۶۵. زنان و دختران از طریق آموزش از طریق آموزش در معیشت و مهارت‌های کارآفرینی و بهره گیری از برنامه‌هایی که انگیزه اقتصادی را برای تعلیق ازدواج تا سن ۱۸ سال عرضه می‌کند، مانند بورس تحصیلی، برنامه‌های اعتباری کوچک و طرح‌های پس انداز، می‌توانند دارایی اقتصادی خود را بنا نهند. (مواد ۱۱ و ۱۳ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک). برنامه‌های آگاهی رسانی تکمیلی برای بیان حق زنان برای کار در خارج از خانه و چالش تابوها درباره زنان و کار ضروری است.

۶۶. یکی دیگر از ابزارهای تقویت توانمندسازی زنان و دختران، ساختن دارایی‌های اجتماعی آن‌ها است. این امر از طریق ایجاد فضاهای امن که در آن دختران و زنان می‌توانند با همسالان، مربیان، معلمان و رهبران جامعه ارتباط برقرار کرده و خود را بیان کنند، سخن بگویند، آرمان‌ها و نگرانی‌هایشان را بیان کرده و در تصمیمی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارند، شرکت کنند، قابل تسهیل است. این امر می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا اعتماد به نفس و خودکارآمدی، ارتباطات، مهارت‌های مذاکره و حل مسئله و آگاهی از حقوق آن‌ها را افزایش دهد و بالأخص برای دختران مهاجر می‌تواند بسیار مهم باشد. ازآنجایی‌که مردان به‌طور سنتی قدرت و نفوذ در همه سطوح را در اختیار دارند، مشارکت آن‌ها برای اطمینان از این که اطفال و زنان حمایت و مشارکت متقابل خانواده‌ها، جوامع، جامعه مدنی و سیاست گذاران خود را در اختیار دارند، حائز اهمیت است.

۶۷. دوران کودکی و در دیرترین شکل اوایل نوجوانی، نقطه ورود برای کمک به دختران و پسران و حمایت از آن‌ها برای تغییر نگرش‌های جنسیتی و پذیرفتن نقش‌ها و رفتارهای مثبت بیشتری در خانه، مدرسه و جامعه گسترده‌تر است. این امر به معنی تسهیل گفتگو با آن‌ها در مورد هنجارها، نگرش‌ها و انتظارات اجتماعی است که با زنانگی و مردانگی سنتی و نقش‌های کلیشه‌ای جنسی و جنسیتی مرتبط است؛ و همکاری با آن‌ها، برای حمایت از تغییرات شخصی و اجتماعی باهدف نابودی نابرابری جنسیتی و ارتقاء اهمیت ارزیابی آموزش و پرورش، به‌خصوص آموزش دختران، در تلاش برای از بین بردن اقدامات مضر که به‌طور خاص بر دختران نوجوان و جوان تأثیر می‌گذارد، می‌باشد.

۶۸. زنان و دختران نوجوان که با اقدامات مضر مواجه بوده و یا در معرض خطر اقدامات مضر قرار گرفته‌اند، با خطرات قابل‌توجهی در خصوص سلامت جنسی و باروری خود، به‌خصوص در شرایطی که با موانع تصمیم گیری در مورد چنین مسائلی ناشی از عدم اطلاعات کافی و خدمات، ازجمله خدمات متناسب برای نوجوان، مواجه‌اند؛ بنابراین، لازم است اطمینان حاصل شود که زنان و نوجوانان به اطلاعات دقیق مربوط به‌سلامت و حقوق جنسی و تولید مثل و تأثیر فعالیت‌های مضر و همچنین دسترسی به خدمات کافی و محرمانه دارند. تعلیم و تربیت متناسب با سن که شامل اطلاعات علمی بر اساس سلامت جنسی و باروری است، به تقویت دختران و زنان در تصمیم گیری‌های آگاهانه و ادعای حقوق خود کمک می‌کند. برای این منظور، ارائه دهندگان مراقبت‌های بهداشتی و معلمان با دانش، درک و مهارت کافی نقش مهمی را در انتقال اطلاعات، جلوگیری از اقدامات مضر و شناسایی و کمک به زنان و دخترانی که قربانی بوده و یا ممکن است در معرض خطر آن‌ها باشند، دارند.

**۶۹. کمیته‌ها توصیه می‌کنند که کشورهای عضو کنوانسیون‌ها:**

(الف) آموزش ابتدایی جامع، آزاد و اجباری که برای دختران متناسب باشد، ازجمله در مناطق دورافتاده و روستایی فراهم کنند. اجباری کردن تحصیلات متوسطه در حالی که مشوق‌های اقتصادی برای دختران باردار و مادران نوجوان برای اتمام دوره راهنمایی و ایجاد سیاست‌های بازگشت غیر تبعیض‌آمیز نیز فراهم می‌کنند؛

(ب) فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و اقتصادی برای دختران و زنان در یک محیط امن و کارآمد که در آن آن‌ها می‌توانند اعتماد به نفس خود، آگاهی از حقوق آن‌ها و نیز ارتباطات، مذاکره و مهارت‌های حل مسائل را توسعه دهند؛

(پ) در برنامه‌های آموزشی اطلاعات مربوط به حقوق بشر را بگنجانند ازجمله حقوق زنان و کودکان، برابری جنسیتی و خودآگاهی و کمک به از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی و پرورش محیط غیر تبعیض‌آمیز؛

(ت) اطمینان حاصل کنند که مدارس اطلاعات متناسب با سن در مورد بهداشت جنسی و باروری و حقوق، ازجمله در رابطه با روابط جنسیتی و رفتار جنسی مسئول، پیشگیری از اچ آی وی، تغذیه، حفاظت از خشونت و اقدامات مضر؛

(ث)‌اطمینان از دسترسی به برنامه‌های آموزشی غیررسمی برای دختران که از تحصیلات عادی خارج شده یا هرگز ثبت نام نکرده و بی‌سواد هستند، نظارت بر کیفیت این برنامه‌ها؛

(ج) تضمین مشارکت مردان و پسران در ایجاد محیط مناسب برای توانمندسازی زنان و دختران.

**۳. توسعه ظرفیت در تمام سطوح**

۷۰. یکی از چالش‌های اصلی در از بین بردن اقدامات مضر فقدان آگاهی و ظرفیت متخصصان مربوطه، ازجمله متخصصان خط مقدم، به‌منظور درک، شناسایی و پاسخ دادن به حوادث یا خطرات اقدامات مضر است. یک رویکرد جامع و مؤثر در زمینه ظرفیت سازی باید هدفش در برگرفتن رهبران بانفوذ، مانند رهبران سنتی و مذهبی، و همچنین بسیاری از گروه‌های حرفه‌ای مناسب ازجمله در زمینه بهداشت، آموزش و پرورش و کارگران اجتماعی، پناهندگان و مهاجرین، پلیس، دادستان، قضات و سیاستمداران در تمام سطوح باشد. اطلاعات دقیق در مورد اقدامات، هنجارها و استانداردهای حقوق بشری قابل اجرا با توجه به ترویج تغییر در نگرش و رفتار گروه و جامعه گسترده‌تر باید برای آن‌ها فراهم باشد.

۷۱. جایی که مکانیسم‌های حل اختلافات جایگزین یا سیستم عدالت سنتی وجود دارد، باید آموزش‌های مربوط به حقوق بشر و اقدامات مضر به افرادی که مسئول مدیریت آن‌ها هستند، ارائه شود. علاوه بر این، پلیس، دادستان، قضات و دیگر مقامات اجرای قانون نیز نیاز به آموزش در زمینه اجرای قوانین جدید یا فعلی دارند که اقدامات مضر را جرم محسوب می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند که آن‌ها از حقوق زنان و کودکان آگاه بوده و به وضعیت آسیب پذیر قربانیان حساس هستند.

۷۲. در کشورهای عضو که در آن رواج اقدامات مضر درجه اول محدود به جوامع مهاجر است، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی، معلمان و متخصصین مراقبت از کودکان، کارگران اجتماعی، پلیس، مقامات مهاجرت و بخش قضایی باید در مورد نحوه شناسایی دختران و زنان که در معرض اقدامات مضر بوده و یا در معرض خطر آن‌ها قرار گرفته‌اند، و اینکه چه گام‌هایی باید در حفاظت از آن‌ها برداشته شود حساس شده و آموزش داده شوند.

۷۳. کمیته‌ها توصیه می‌کنند کشورهای عضو کنوانسیون‌ها:

(الف) ارائه اطلاعات به همه متخصصان خط مقدم در خصوص اقدامات مضر و هنجارها و استانداردهای حقوق بشری قابل اجرا و حصول اطمینان از اینکه آن‌ها به‌اندازه کافی برای جلوگیری، شناسایی و پاسخ به حوادث اقدامات مضر ازجمله کاهش اثرات منفی برای قربانیان و کمک به آن‌ها برای دسترسی به درمان و خدمات مناسب، آموزش دیده‌اند؛

(ب) ارائه آموزش به افرادی که در حل اختلافات جایگزین و سیستم عدالت سنتی هستند به‌منظور اعمال مناسب اصول کلیدی حقوق بشر، به‌ویژه مصلحت کودک و مشارکت کودکان در دادرسی‌های اداری و قضایی؛

(پ) ارائه آموزش به تمام پرسنل اجرای قانون، ازجمله قوه قضائیه، در مورد قوانین جدید و فعلی ممنوعیت اقدامات مضر و حصول اطمینان از اینکه آن‌ها از حقوق زنان و کودکان و نقش آن‌ها در تعقیب مجرمان و حفاظت از قربانیان اقدامات مضر، آگاهی دارند.

انجام آگاهی تخصصی و برنامه‌های آموزشی برای ارائه دهندگان خدمات بهداشتی که با جوامع مهاجر کار می‌کنند جهت رسیدگی به نیازهای مراقبت‌های بهداشتی منحصر به فرد کودکان و زنانی که تحت ختنه زنان یا سایر اقدامات مضر بوده‌اند. ارائه آموزش تخصصی برای حرفه‌هایی که در زمینه خدمات رفاهی کودکان و خدمات متمرکز بر حقوق زنان، آموزش و پرورش، پلیس و بخش‌های قضایی، سیاستمداران و کارکنان رسانه‌ای که با دختران و زنان مهاجر کار می‌کنند.

**۴. آگاهی رسانی، گفتگوی عمومی و نمود تعهدات**

۷۴. برای چالش هنجارها و نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی که زمینه اقدامات مضر هستند، ازجمله ساختارهای قدرت مردانه، جنس و تبعیض مبتنی بر جنسیت و سلسله مراتب سنی، هر دو کمیته‌ها به‌طور مرتب توصیه می‌کنند که دولت‌های عضو کمپین جامع اطلاعات عمومی و آگاهی رسانی که بخشی از استراتژی‌های طولانی مدت برای از بین بردن اقدامات مضر است را متعهد شوند.

۷۵. اقدامات ارتقاء آگاهی باید دربر گیرنده اطلاعات دقیق از منابع معتبر در مورد آسیب های ناشی از اقدامات و دلایل متقاعد کننده در مورد اینکه چرا باید آن‌ها را حذف کرد، باشد. در این راستا رسانه‌های جمعی می‌توانند نقش مهمی را در تضمین تفکر جدید به‌ویژه از طریق دسترسی زنان و کودکان به اطلاعات و مطالبی که هدف ارتقاء رفاه اجتماعی و اخلاقی و سلامت جسمی و روحی آن‌ها، مطابق با تعهدات تحت هر دو کنوانسیون که به محافظت از آن‌ها در برابر اقدامات مضر کمک می‌کند، داشته باشند.

۷۶. راه اندازی کمپین‌های آگاهی رسانی فرصت بحث‌های عمومی را فراهم می‌کند در مورد اقدامات مضر را با دید کاوش جمعی جایگزین‌هایی که باعث آسیب یا نقض حقوق بشر زنان و کودکان نمی‌شوند و رسیدن به توافق بر این که هنجارهای اجتماعی ایجاد کننده و تقویت کننده اقدامات مضر می‌تواند و باید تغییر کند. غرور جمعی یک جامعه در شناسایی و اتخاذ شیوه‌های جدید برای تحقق ارزش‌های اصلی خود، تعهد و پایداری هنجارهای اجتماعی جدید را که سبب آسیب و نقض حقوق بشر نمی‌شود، تضمین می‌کند.

۷۷. مؤثرترین تلاش‌ها مشارکت ذینفعان مربوطه در تمام سطوح، به‌ویژه دختران و زنان از جوامع آسیب دیده، و همچنین پسران و مردان را در برمی‌گیرد. علاوه بر این، این تلاش‌ها نیازمند مشارکت فعال و پشتیبانی رهبران محلی ازجمله تخصیص منابع کافی است. ایجاد یا تقویت همکاری‌های موجود با ذینفعان، نهادها، سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی (رهبران مذهبی و سنتی، متخصصان و جامعه مدنی) می‌تواند به ایجاد پل میان حوزه‌های مختلف کمک کند.

۷۸. می‌توان به انتشار اطلاعات در مورد تجربیات مثبت که به دنبال حذف اقدامات مضر در جامعه داخلی یا خارجی یا درون دیگر جوامع از همان منطقه جغرافیایی با زمینه‌های مشابه و همچنین در مورد تبادل رویکردهای خوب، ازجمله از مناطق دیگر، توجه کرد. این ممکن است به‌صورت کنفرانس‌ها یا رویدادهای محلی، ملی یا منطقه‌ای، بازدید از رهبران جامعه یا استفاده از ابزارهای صوتی و تصویری انجام شود. علاوه بر این، فعالیت‌های آگاهی رسانی باید با دقت طراحی شوند تا به طرز دقیق منعکس کننده زمینه‌های محلی بوده، واکنش‌های شدید را به همراه نداشته یا منجر به افزایش انگ و یا تبعیض علیه قربانیان و یا جوامع نشود.

۷۹. رسانه‌های محلی و اصلی می‌توانند شرکای مهمی در ارتقاء و آگاهی رسانی در مورد اقدامات مضر، ازجمله از طریق ابتکارات مشترک با دولت برای میزبانی بحث و گفتگو، تهیه و نمایش مستند و ایجاد برنامه‌های آموزشی برای رادیو و تلویزیون باشند. اینترنت و رسانه‌های اجتماعی نیز می‌توانند ابزار ارزشمند برای ارائه اطلاعات و فرصت‌های بحث و گفتگو باشند و تلفن‌های همراه به‌طور فزاینده‌ای برای انتقال پیام‌ها و ارتباط با افراد مختلف در تمام سنین استفاده می‌شوند. رسانه‌های محلی می‌تواند به‌عنوان یک انجمن مفید برای اطلاعات و گفتگو استفاده شود و ممکن است شامل رادیو، تئاتر خیابانی، موسیقی، هنر، شعر و خیمه شب بازی باشد.

۸۰. در کشورهای عضو با مقررات مؤثر و اجرایی علیه اقدامات مضر، خطر وجود دارد جوامعی که این اقدامات را انجام می‌دهند پنهان کاری کرده کردن و یا برای انجام این اعمال به خارج از کشور بروند. کشورهای عضو میزبان جوامعی که این اقدامات را انجام می‌دهند باید از کمپین‌های آگاهی رسانی در مورد تأثیر مخرب بر قربانیان یا افرادی که در معرض خطر قرار دارند، و همچنین پیامدهای قانونی تخطی از آن، حمایت کنند، در عین حال باید از تبعیض و شرم بر این جوامع جلوگیری کنند. برای این منظور گام‌هایی برای تسهیل ادغام اجتماعی این جوامع، بایستی برداشته شود.

۸۱. کمیته‌ها توصیه می‌کنند کشورهای عضو کنوانسیون‌ها:

(الف) برنامه‌های جامع آگاهی رسانی برای چالش و تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی، سنت‌ها و آداب‌ورسومی که سبب رفتارهای مضر است را توسعه و به کار گیرند؛

(ب) اطمینان حاصل کنند که برنامه‌های آگاهی رسانی اطلاعات دقیق و روشن، پیام‌های یکپارچه از منابع معتبر در مورد تأثیر منفی اعمال مضر روی زنان، کودکان، به‌ویژه دختران، خانواده‌ها و جامعه آن‌ها را در بر می‌گیرد. چنین برنامه‌هایی باید شامل رسانه‌های اجتماعی، اینترنت، و ابزار ارتباط و نشر باشند.

(پ) تمام اقدامات لازم را انجام دهند تا اطمینان حاصل کنند که ننگ و تبعیض علیه قربانیان و / یا جوامع مهاجر و یا اقلیت‌ها صورت نمی‌گیرد.

(ت) اطمینان حاصل کنند که برنامه‌های آگاهی رسانی که ساختارهای دولتی را هدف قرار داده‌اند، تصمیم گیرندگان و تمام کارکنان برنامه‌های مربوطه و متخصصان کلیدی را در سازمان‌های دولتی و محلی درگیر می‌کنند؛

(ث) اطمینان حاصل کنند که پرسنل مؤسسات ملی حقوق بشر به‌طور کامل آگاه و حساس به پیامدهای حقوق بشری اقدامات مضر در دولت عضو هستند و از آن‌ها حمایت می‌شود تا در حذف این اقدامات پیشرفت کنند؛

(ج) بحث‌های عمومی را برای جلوگیری و ترویج حذف اقدامات مضر، با مشارکت همه ذینفعان مربوطه در آماده سازی و اجرای این اقدامات، ازجمله رهبران محلی، شاغلین، سازمان‌های مردمی و جوامع مذهبی، ایجاد کنند. این فعالیت‌ها باید اصول مثبت فرهنگی یک جامعه را که با حقوق بشر سازگار است تأیید کند و شامل اطلاعاتی در مورد تجارب حذف موفق توسط جوامع سابق با پیش زمینه‌های مشابه، که از این اقدامات استفاده می‌کردند، شود؛

(چ) ایجاد یا تقویت مشارکت مؤثر با رسانه‌های اصلی برای حمایت از اجرای برنامه‌های آگاهی رسانی و ترویج گفتگوی عمومی و تشویق ایجاد و رعایت مکانیسم‌های خود تنظیم کننده که به حریم خصوصی افراد احترام می‌گذارد.

**ت. اقدامات حمایتی و خدمات پاسخگو**

۸۲. زنان و كودكانی كه قربانی اقدامات مضر هستند نیازمند فوری خدمات پشتیبانی، ازجمله خدمات پزشکی، روانی و حقوقی هستند. خدمات اورژانس پزشکی ممکن است فوری‌ترین و واضح‌ترین باشد، زیرا برخی از شیوه‌های مضر پوشش داده شده در این GR / GC شامل اعمال خشونت شدید فیزیکی هستند و مداخلات پزشکی برای درمان آسیب شدید یا جلوگیری از مرگ ضروری است. قربانیان FGM یا سایر اقدامات مضر همچنین ممکن است نیاز به درمان پزشکی یا جراحی برای رسیدگی به پیامدهای فیزیکی درازمدت و کوتاه مدت داشته باشند. مدیریت بارداری و زایمان در زنان یا دخترانی که ختنه شده‌اند باید در آموزش‌های قبل و در حین خدمت ماماها، پزشکان و سایر متخصصان زایمان قرار گیرد.

۸۳. سیستم‌های حفاظت ملی یا در غیاب آن‌ها، ساختارهای سنتی باید متناسب با کودکان، حساس به جنسيت و به‌اندازه کافی منابع لازم برای ارائه خدمات حمایتی ضروری برای زنان و دخترانی که در معرض خطر مواجه با خشونت قرار دارند، ازجمله دخترانی که برای جلوگیری ختنه، ازدواج اجباری یا جرائم ناموسی فرار می‌کنند، باشند. ایجاد یک خط تلفن ۲۴ ساعته آسان، قابل اعتماد، رایگان، که در دسترس و شناخته شده در سراسر کشور است بایستی موردتوجه قرار گیرد. اقدامات ایمنی و امنیتی مناسب برای قربانیان باید در دسترس باشد، ازجمله پناهگاه‌های ویژه موقت یا خدمات تخصصی در پناهگاه‌های قربانیان خشونت. از آنجا که عاملان رفتارهای مضر اغلب همسر قربانی، یک عضو خانواده یا یکی از اعضای جامعه قربانی است، خدمات حمایتی باید تلاش کنند قربانیان را فوراً از محیطی که در آن هستند جابجا کنند، اگر دلیلی وجود داشته باشد که اعتقاد دارند آن مکان ممکن است ناامن باشد. از ملاقات‌های بدون کنترل باید جلوگیری شود، به‌ویژه هنگامی که مسئله ناموسی است. حمایت روانی برای درمان آسیب های روانی فوری و درازمدت قربانیان ازجمله اختلال استرس پس از سانحه، اضطراب یا افسردگی باید در دسترس باشد.

۸۴. هنگامی که یک زن یا یک دختری که تحت اقدامی قرار گرفته یا از انجام آن اجتناب کرده، خانواده یا اجتماع خود را برای یافتن پناهگاه ترک می‌کند، تصمیم او برای بازگشت باید با مکانیسم‌های مناسب ملی حمایت شود. در کمک به او برای انتخاب آزاد و آگاهانه، این مکانیسم‌ها برای اطمینان از بازگشت امن و ادغام مجدد، بر اساس اصل منافع او ازجمله جلوگیری از قربانی کردن مجدد، ضروری است. چنین شرایطی نیاز به پیگیری دقیق و نظارت دارد تا اطمینان حاصل شود که قربانیان حمایت شده و از حقوقشان در کوتاه مدت و بلند مدت بهره‌مند می‌شوند.

۸۵. قربانیانی که به دنبال عدالت برای نقض حقوق خود در نتیجه اقدامات مضر هستند اغلب با خطر انگ زدن، قربانی شدن مجدد، آزار و اذیت و مجازات بالقوه مواجه هستند؛ بنابراین، باید اطمینان حاصل شود که حقوق زنان و دختران در طول پروسه قانونی مطابق با مقررات ۲ (سی)، ۱۵ (ب)CEDAW، حمایت شده و اطفال به‌طور مؤثر در مراحل دادرسی به‌عنوان بخشی از حق خود را تحت ماده ۱۲ CRC برای شنیده شدن، شرکت می‌کنند.

۸۶. وضعیت اقتصادی و قانونی بسیاری از مهاجران متزلزل است که آسیب پذیری آن‌ها را به تمامی انواع خشونت، ازجمله اقدامات مضر، افزایش می‌دهد. زنان مهاجر و کودکان اغلب دسترسی به خدمات مناسب را به‌طور برابر با شهروندان ندارند.

۸۷. کمیته‌ها توصیه می‌کنند کشورهای عضو کنوانسیون‌ها:

(الف) اطمینان حاصل کنند که خدمات حمایتی وظیفه دارند و به‌اندازه کافی منابع برای ارائه تمام خدمات پیشگیرانه و حمایتی لازم برای کودکان و زنان که قربانی یا در معرض خطر قربانی شدن اقدامات مضر هستند، در اختیار دارند.

(ب) ایجاد خط تلفن رایگان ۲۴ ساعته که توسط مشاوران آموزش دیده به کار گرفته شود تا قربانیان بتوانند از وقوع اقدامات مضر یا احتمال آن گزارش دهند، و خدمات مورد نیاز و همچنین اطلاعات دقیق در مورد اقدامات مضر ارائه دهند؛

(پ) برنامه‌های ظرفیت سازی را در مورد نقش خود در حمایت از افسران قضایی، ازجمله قضات، وکلا، دادستان‌ها و تمام ذینفعان مربوطه، در زمینه قوانین ممنوعیت تبعیض و اجرای قوانین با توجه به جنسیت و سن، مطابق با دو کنوانسیون توسعه داده و اجرا کنند؛

(ت) اطمینان حاصل کنند که کودکان در پروسه‌های حقوقی دسترسی به خدمات مناسب حساس به اطفال برای تضمین حقوق و ایمنی خود و محدود کردن تأثیرات منفی پرونده دارند. اقدامات حمایتی شامل محدود کردن تعداد دفعاتی که قربانی نیاز به ارائه اظهارات دارد و عدم ضرورت مواجه با مرتکب یا مرتکبان. گام‌های دیگر شامل قرار دادن یک سرپرست (به‌ویژه در مواردی که مجرم والدین یا سرپرست قانونی است) و حصول اطمینان از دسترسی کودکان به اطلاعات کافی در مورد پروسه و درک کامل از آنچه انتظار آن می‌رود؛

(ث) اطمینان حاصل کنید که زنان و کودکان مهاجر دسترسی برابر به خدمات را بدون در نظر گرفتن وضعیت قانونی خود دارند.

**هشتم. انتشار، استفاده از اظهارنظر عمومی / توصیه‌های عمومی و گزارش دادن**

۸۸. دولت‌های عضو باید به‌طور گسترده‌ای اظهارنظر عمومی مشترک را به پارلمان، دولت‌ها و قوه قضاییه، چه در سطح ملی و چه محلی پخش کنند. همچنین باید به کودکان و زنان و تمام متخصصان و ذینفعان مرتبط، ازجمله کسانی که برای و با کودکان کار می‌کنند (یعنی قضات، وکلا، پلیس و سایر نهادهای انتظامی، معلمان، نگهبانان، کارگران اجتماعی، کارکنان مؤسسات رفاهی عمومی و خصوصی و پناهگاه‌ها، ارائه دهندگان مراقبت‌های بهداشتی) و جامعه مدنی در کل، بشناسانند. اظهارنظر عمومی مشترک باید به زبان‌های مرتبط ترجمه شود؛ نسخه‌ها و فرمت‌های متناسب برای کودکان و افراد دارای معلولیت باید در دسترس باشد. کنفرانس‌ها، سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و سایر رویدادها باید به‌منظور به اشتراک گذاشتن شیوه‌های خوب در مورد چگونگی اجرای مشترک GR / GC برگزار شود. همچنین باید در برنامه‌های آموزشی پیش از خدمت و در حین خدمت برای حرفه‌ها و کارکنان فنی وارد شود و باید در اختیار همه نهادهای ملی حقوق بشر، سازمان‌های زنان و سایر سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر قرار گیرد.

۸۹ دولت‌های عضو باید در گزارش‌های خود تحت CEDAW و CRC اطلاعاتی درباره ماهیت و گستردگی نگرش‌ها، آداب‌ورسوم و هنجارهای اجتماعی که اقدامات مضر را دائمی می‌کنند و در مورد اقداماتی که توسط این اظهارنظر عمومی مشترک مطرح شده، که آن‌ها اجرا کرده و اثرات، ارائه دهند.

**نهم. تصویب کنوانسیون یا الحاق و حق شرط**

۹۰ کشورهای عضو را تشویق به تصویب سندهای زیر می‌شوند:

(الف) پروتکل اختیاری برای کنوانسیون رفع همه انواع تبعیض علیه زنان (۱۹۹۹)؛

(ب) پروتکل اختیاری برای کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش کودکان، فحشاء کودک و پورنو گرافی کودکان (۲۰۰۰)؛

(پ) پروتکل اختیاری برای کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودکان درگیری مسلحانه (۲۰۰۰)؛

(ت) پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد روش ارتباطی (۲۰۱۱).

۹۲. دولت‌های عضو باید حق شرط‌ها بر مواد ۲، ۵ و ۱۶ CEDAW یا زیر پاراگراف‌های آن‌ها و مواد ۱۹ و ۲۴ (۳) کنوانسیون حقوق کودک را بررسی و اصلاح یا لغو کنند. کمیته سیدا حق شرط به این مواد را، در اصل، ناسازگار باهدف کنوانسیون‌ها دانسته و در نتیجه طبق پاراگراف ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون CEDAW غیرقابل مجاز است.[[17]](#footnote-17)

1. اظهار نظر عمومی شماره ۱۹ سیدا (۱۹۹۲)، پاراگراف ۱۱ و اظهار نظر عمومی شماره ۹ (۲۰۰۶) پاراگراف ۸، ۱۰ و ۷۹ و شماره ۱۵ پاراگراف ۸ و ۹ کمیته حقوق کودک. [↑](#footnote-ref-1)
2. اظهار نظر عمومی شماره ۲۸ سیدا (۲۰۱۱) در مورد تعهدات کشورهای عضو تحت پاراگراف ۱۸ ماده ۲ سیدا. [↑](#footnote-ref-2)
3. اظهار نظر عمومی شماره ۱۹ (۱۹۹۲) سیدا، پاراگراف ۱۱ و اظهار نظر عمومی شماره ۱۳ (۲۰۱۱)، پاراگراف ۲۹ کمیته حقوق کودک را ملاحظه کنید. [↑](#footnote-ref-3)
4. تحقیق دبیر کل در مورد خشونت علیه کودکان A/61/299 (۲۰۰۶) پاراگراف ۴۶. [↑](#footnote-ref-4)
5. تا به امروز، کمیته CEDAW در ۹ اظهار نظر عمومی خود به اقدامات مضر اشاره کرده است از شماره ۳ (۱۹۷۸)

در مورد اجرای ماده ۵ کنوانسیون، شماره ۱۴ (۱۹۹۰) در مورد ختنه زدن، شماره ۱۹ (۱۹۹۰) در مورد خشونت علیه زنان، شماره ۲۱ (۱۹۹۴) درباره برابری در ازدواج و روابط خانوادگی، شماره ۲۴ (۱۹۹۹) در مورد زنان و سلامت، شماره ۲۵ (۲۰۰۴) در مورد اقدامات موقت ویژه، شماره ۲۸ (۲۰۱۰) در مورد تعهدات اصلی دولت های عضو تحت ماده ۲ کنوانسیون، شماره ۲۹ (۲۰۱۳) درمورد پیامدهای اقتصادی ازدواج، روابط خانوادگی و انحلال آنها و همچنین شماره ۳۰ (۲۰۱۳) درباره زنان در پیشگیری از جنگ و درگیری و شرایط پس از بحران، شماره ۸ (۲۰۰۶) در مورد حق کودک به حفاظت از مجازات بدنی و سایر اشکال مجازات ظالمانه و یا تحقیر آمیز و در

شماره ۱۳ (۲۰۱۱) در مورد حق فرزند برای آزادی از همه ی انواع خشونت، کمیته حقوق کودک لیستی جامع از اقدامات مضر را فراهم می کند. [↑](#footnote-ref-5)
6. مراعات (due diligence (کشورهای عضو باید به عنوان تعهدی از طرف کشورهای عضو این کنوانسیون برای جلوگیری از خشونت یا نقض حقوق بشر، حفاظت از قربانیان و شاهدان نقض حقوق بشر، تعهد به بررسی و مجازات مسئولین، از جمله عوامل خصوصی و تعهد به ارائه دسترسی به جبران خسارت برای نقض حقوق بشر. پاراگراف ۹ اظهار نظر عمومی شماره ۱۹؛ پاراگراف ۱۳ اظهار نظر عمومی شماره ۲۸؛ پاراگراف ۱۵ اظهار نظر عمومی شماره ۳۰ سیدا؛ نظرات و تصمیمات کمیته در مورد شکایات شخصی و درخواست رسیدگی؛ پاراگراف ۵ اظهار نظر عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق کودک را ببینید. [↑](#footnote-ref-6)
7. پاراگراف ۳۸ (الف) اظهار نظر عمومی شماره ۲۸ کمیته رفع تبعیض علیه زنان، نظرات نهایی و پاراگراف ۴۰ اظهار نظر عمومی شماره ۱۳. [↑](#footnote-ref-7)
8. کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ۲، ۵ و ۱۶ و کنوانسیون حقوق کودک ماده ۱۹ و ۲۴ (۳). [↑](#footnote-ref-8)
9. این وب سایت را ببینید: www.apromiserenewed.org. [↑](#footnote-ref-9)
10. اظهار نظر عمومی شماره ۳۰ کمیته رفع تبعیض علیه زنان، پاراگراف ۶۲. [↑](#footnote-ref-10)
11. ماده ۳ (۱) (الف) (i) را ببینید. [↑](#footnote-ref-11)
12. اظهار نظر عمومی شماره ۲۱، ۲۸ و ۲۹ کمیته رفع تبعیض از زنان. [↑](#footnote-ref-12)
13. پاراگراف ۲۷ اظهار نظر عمومی شماره ۲۹ سیدا. [↑](#footnote-ref-13)
14. پاراگراف ۳۸ اظهار نظر عمومی شماره ۲۵ سیدا. [↑](#footnote-ref-14)
15. اظهار نظر عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق کودک در مورد توجه ويژه به منفعت کودک. [↑](#footnote-ref-15)
16. کنوانسیون رفع تمام اشکال خشونت علیه زنان، مواد ۲ (الف)- (ج)، ۲ (اف) و ۵ و اظهار نظر عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق کودک را ملاحظه کنید. [↑](#footnote-ref-16)
17. لطفاً برای متن اصلی [اینجا](https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CEDAW%2fC%2fGC%2f31%2fCRC%2fC%2fGC%2f18&Lang=en) را نگاه کنید. [↑](#footnote-ref-17)